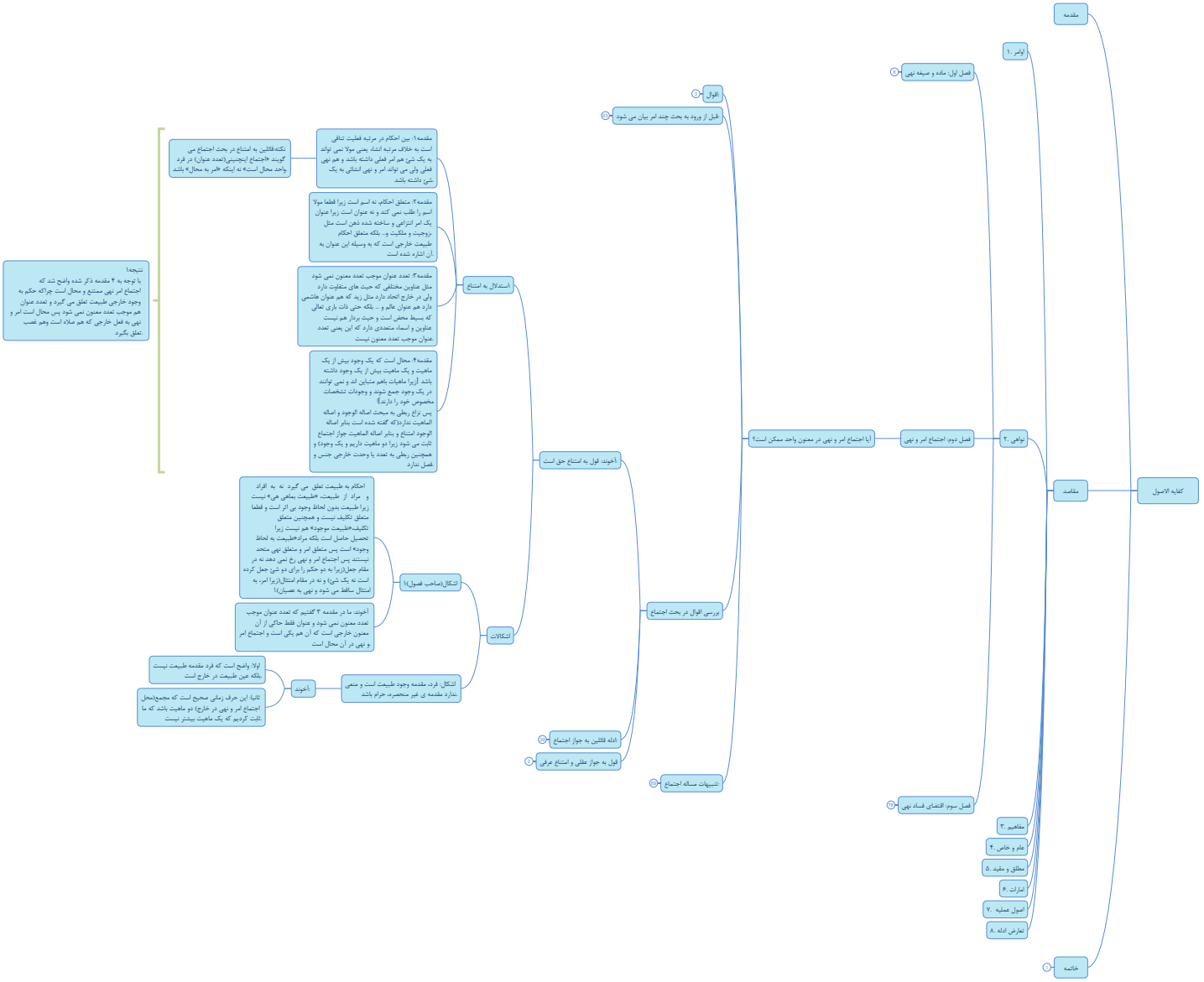
کفایه الاصول
مقدمه
مقاصد
خاتمه
اوامر .۱
فصل اول: ماده و صیغه نهی
نواهی .۲
فصل دوم: اجتماع امر و نهی
فصل سوم: اقتضای فساد نهی
مفاهیم .۳
عام و خاص .۴
مطلق و مقید .۵
امارات .۶
اصول عملیه .۷
تعارض ادله .۸
قبل از ورود به بحث چند امر بیان می شود
اقوال
بررسی اقوال در بحث اجتماع
ادله قائلین به جواز اجتماع
قول به جواز عقلی و امتناع عرفی
تنبیهات مساله اجتماع
آیا اجتماع امر و نهی در معنون واحد ممکن است؟
آخوند قول به امتناع حق است
استدلال به امتناع
مقدمه۱: بین احکام در مرتبه فعلیت تنافی است به خلاف مرتبه انشاء یعنی مولا نمی تواند به یک شئ هم امر فعلی داشته باشد و هم نهی فعلی ولی می تواند امر و نهی انشائی به یک شئ داشته باشد
نکته:قائلین به امتناع در بحث اجتماع می گویند «اجتماع ایجابی(تعدد عنوان) در فرد واحد محال است» نه اینکه «امر به محال» باشد
مقدمه۲: متعلق احکام، نه اسم است زیرا قطعا مولا اسم را طلب نمی کند و نه عنوان است زیرا عنوان یک امر انتزاعی و ساخته شده ذهن است مثل زوجیت و ملکیت و... بلکه متعلق احکام طبیعت خارجی است که به وسیله این عنوان به آن اشاره شده است
مقدمه۳: تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی شود مثل عناوین مختلفی که حیث های متفاوت دارد ولی در خارج اتحاد دارد مثل زید که هم عنوان هاشمی دارد هم عنوان عالم و ... بلکه حتی ذات باری تعالی که بسیط محض است و حیث بردار هم نیست عناوین و اسماء متعددی دارد که این یعنی تعدد عنوان موجب تعدد معنون نیست
مقدمه۴: محال است که یک وجود بیش از یک ماهیت و یک ماهیت بیش از یک وجود داشته باشد [زیرا ماهیات باهم متباین اند و نمی توانند در یک وجود جمع شوند و وجودات تشخصات مخصوص خود را دارند]
پس نزاع ربطی به مبحث اصاله الوجود و اصاله الماهیت ندارد(که گفته شده است بنابر اصاله الوجود امتناع و بنابر اصاله الماهیت جواز اجتماع ثابت می شود زیرا دو ماهیت داریم و یک وجود) و همچنین ربطی به تعدد یا وحدت خارجی جنس و فصل ندارد
نتیجه:
با توجه به ۴ مقدمه ذکر شده واضح شد که اجتماع امر نهی ممتنع و محال است چراکه حکم به وجود خارجی طبیعت تعلق می گیرد و تعدد عنوان هم موجب تعدد معنون نمی شود پس محال است امر و نهی به فعل خارجی که هم صلاه است وهم غصب تعلق بگیرد
اشکالات
اشکال(صاحب فصول):
احکام به طبیعت تعلق می گیرد نه به افراد و مراد از طبیعت، «طبیعت بماهی هی» نیست زیرا طبیعت بدون لحاظ وجود بی اثر است و قطعا متعلق تکلیف نیست و همچنین متعلق تکلیف«طبیعت موجوده» هم نیست زیرا تحصیل حاصل است بلکه مراد«طبیعت به لحاظ وجوده» است پس متعلق امر و متعلق نهی متحد نیستند پس اجتماع امر و نهی رخ نمی دهد(نه در مقام جعل(زیرا به دو حکم را برای دو شئ جعل کرده است نه یک شئ) و نه در مقام امتثال(زیرا امر، به امتثال ساقط می شود و نهی به عصیان)!
آخوند: ما در مقدمه ۳ گفتیم که تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمی شود و عنوان فقط حاکی از آن معنون خارجی است که آن هم یکی است و اجتماع امر و نهی در آن محال است
اشکال: فرد، مقدمه وجود طبیعت است و منهی ندارد مقدمه ی غیر منحصره، حرام باشد
آخوند:
اولا: واضح است که فرد مقدمه طبیعت نیست بلکه عین طبیعت در خارج است
ثانیا: این حرف زمانی صحیح است که مجمع(محل اجتماع امر و نهی در خارج) دو ماهیت باشد که ما ثابت کردیم که یک ماهیت بیشتر نیست